ایران
صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۲۰/۴۳ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۸ | اذان صبح فردا ۴/۱۳ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۷

سخن روز

امام‌صادق علیه‌السلام:
دست‌هایتان را قبل و بعد از غذا خوردن بشویید، که فقر را می‌بَرَد و بر عمر می‌افزاید.
محاسن ص۴۲۵، ح۲۲۵

سید عباس صالحی: اندیشه شهدا را به نسل‌های آینده باید انتقال داد

یکی از راه‌های ادای دین به کسانی که برای کشور ایثارگری کرده و از جان خود گذشتند ارتباط با خانواده شهدا است تا آنها بدانند که ملت ایران خود را مدیون ایشان می‌دانند و از اندیشه شهدا درس گرفته و تلاش می‌کنیم با انتقال آن به نسل‌های آینده این اندیشه‌ها را زنده نگه داریم. خانواده روحانی شهید محمدرضا قربانی اولین شهید استان ایلام، برای خود ذخیره‌ای را به جای گذاشتند که می‌توان به آن افتخار کرد، این شهید در ابتدای جوانی که جاذبه‌های زیادی برای انسان وجود دارد راه تعالی را انتخاب می‌کند و این نشانگر شخصیت و روح والای این شهید است، همین ارتباط مجازی امروز فرصت مغتنمی را برای بنده فراهم کرد تا یاد این شهید و شهدای استان ایلام را زنده نگه داریم.

بخشی از سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تماس تصویری با خانواده شهید قربانی در ایلام/سایت وزارت ارشاد

وضعیت اقتصاد هنر در ایام کرونا

یادداشت

بهارک بیگناه
مدیر نگارخانه بهارک

از سال گذشته تاکنون کسب و کار هنرمندان بسیار بیشتر از سایر مشاغل دیگر کم رونق‌تر شده است. همیشه هنر در سبد اقتصاد خانواده (بجز بخش اندکی از مردم) آخرین گزینه خرید بوده و حتی خرید آثار هنری با هدف هدیه دادن هم، چندان مرسوم نیست که این موضوع به عدم آشنایی خانواده‌ها با جایگاه واقعی هنر در زندگی برمی‌گردد.

هنرمندان مجبور به پرداخت هزینه‌های بسیار هستند از جمله هزینه‌های مربوط به خلق اثر، از وسایل و ابزار کار تا قاب کردن و تبلیغات و همچنین مبلغی که بعضی از نگارخانه‌ها بابت ورودی و اجازه نمایش آثار هنری از هنرمند می‌گیرند. از طرف دیگر فروش اندک آثار هنری البته اگر فروشی در کار باشد، باعث شده تا هنرمندان بشدت در شرایط نامناسبی روزگار بگذرانند.

اگر از بخت خوب، هنرمندی پیشکسوت و شناخته شده باشد و مجموعه دارانی دنبال آثارش باشند بی‌شک روزگاری بهتر از هنرمندان کم‌تر شناخته شده را سپری می‌کند بخصوص اگر شاگردی و کلاسی و آموزشگاهی داشته باشد. روزگار هنرمندان تازه به میدان آمده که هیچ نام و نشانی کسب نکرده‌اند اما همانطور که گفته شد بسیار سخت و دشوار است.

برخی از این هنرمندان جوان برای گذران زندگی ناچار به‌دنبال کار و شغلی به غیر از استعدادهای هنری خود می‌روند و هنرشان اشتغال دوم‌شان می‌شود. کم نیستند هنرمندان جوان دانشجویی که به خاطر مخارج و هزینه‌های بالای دانشگاه‌های هنر، تحصیل خود را رها کرده و گالری‌ها هم به خاطر تعطیلات پی‌درپی بخصوص شرایط اخیرایجاد شده به‌دلیل شیوع بیماری کرونا مجبور به تعطیلی برای مدت زیادی شده‌اند. تعطیلات تقویمی هم که باعث می‌شود به‌دلیل مسافرت مردم بازدیدی از نگارخانه‌ها صورت نپذیرد که آن را هم باید اضافه کنیم و بخصوص تابستان که مردم ترجیح می‌دهند به ییلاق و تفریحات دیگر بروند تا به گالری‌ها. به همین دلیل در این مدت شاهد برچیده شدن برخی از گالری‌ها بخصوص آنهایی که محل نگارخانه‌شان استیجاری است، بوده‌ایم.

در این میان گالری‌ها تلاش کردند که با ساختن صفحه‌های متعدد در فضای مجازی از قبیل اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی و وب سایت‌ها نمایشگاه‌های آنلاین برگزار کنند. البته در این میان صفحاتی هم توسط عده‌ای نه چندان شناخته شده و حتی گاهی کاملاً ناشناس و نامعتبر به‌عنوان گالری‌های آنلاین شروع به فعالیت کردند.

شاید تا حدودی برای عده‌ای از گالری‌ها که همیشه مجموعه داران ثابتی دارند این تغییر چندان فرقی با گالری ثابت نداشته باشد اما برای آن گالری‌هایی که با رفت و آمد مردم وبازدیدها و خریدهای حضوری گهگاهی چرخ آنان می‌چرخید بسیار تفاوت احساس می‌شود. همه اینها به کنار، آن هدف اصلی نگارخانه‌ها که هم هنرمند و هم گالری دار در پی آن است، یعنی دیدن اثر آویخته شده بر دیوار با نورپردازی و چیدمان مناسب با گالری مجازی محقق نمی‌شود. هنرمندان ترجیح می‌دهند که آثارشان در نمایشگاه‌های انفرادی در گالری‌های حقیقی به نمایش دربیاید.

حتی برخی از هنرمندان ترجیح می‌دهند قبل از اینکه کارهایشان به نمایش دربیاید در هیچ سایتی کارشان دیده نشود. بنابراین نمایشگاه‌های آنلاین بیشتر نمایشگاه‌های گروهی را شامل می‌شود.

بعضی از هنرمندان هم کارهایشان را در چند گالری آنلاین همزمان به نمایش می‌گذارند و این خودش مشکلی می‌شود برای صاحبان آن گالری‌ها. به همین دلیل است که خیلی از مشتریان گاهی دچار سردرگمی می‌شوند.

به‌رغم همه این مشکلات، هنرمندان در جایی که احساس می‌کردند وجودشان برای هموطنانشان ضروری است عاشقانه پا به میدان گذاشته‌اند. در حوادث و بلایای طبیعی دست به دست هم داده‌اند و آثارشان را به نفع آسیب دیدگان به فروش گذاشته‌اند. از مصادیق این رفتار می‌توان به کمک‌رسانی به زلزله زدگان کرمانشاه، سیل زدگان گلستان و لرستان و سیستان و بلوچستان، به خیریه‌هایی مانند رعد، معلولان ذهنی و جسمی بچه‌های آسمان و... اشاره کرد.

هنرمندان حتی در دوران قرنطینه کرونا هم با به اشتراک گذاشتن آثارشان سعی کردند که از دلخستگی‌های هموطنانشان بکاهند و همه آنها مثل همیشه امیدوار به آینده‌ای درخشان برای اعتلای هنر این سرزمین هستند.

کاربردی‌ترین هنرها در عمل

هنر و روان
بخش ششم

آرام مرتضوی
پژوهشگر و روان درمانگر تحلیلی

فکر می‌کنم تا امروز به حدی که نیاز را برطرف کند در رابطه با ساز و کار روان صحبت کرده‌ام. سعی و تلاشم بر این بود که شما را با عمیق‌ترین و اعجاب انگیزترین اثر هنری آشنا کنم دست شما را در دست طبیعت بگذارم و ذهن شما را به چالش اتفاقات جدید بکشم. می‌بایست تمرین کنیم تا انتخاب‌گر غذای روح خود باشیم دست به چالش انتخاب‌های نو بزنیم تا بتوانیم درک کنیم مغز چگونه ساز و کارهایی را برمی‌گزیند که از انسان در برابر ناملایمات محافظت کند، چگونه می‌شود که احساس سرخوشی می‌کنیم غمگین می‌شویم، تا در برابر تجربیات جدید گشوده نباشیم نمی‌توانیم مغز خود را عادت دهیم که لیاقت تجربه بهترین‌ها را دارد. اکنون فرصت را غنیمت می‌شمارم و کمی راجع به هنر سخن می‌گویم. بیایید با هم بررسی کنیم که این پدیده چگونه می‌تواند در زندگی و ساز و کار روان ما اثر گذارد. اول لطفاً به این سؤال پاسخ دهید، تعریف شما از هنر چیست؟ کمی فکر کنید، جواب شما هر چه باشد صحیح است زیرا تعریف هنر به اندازه بشر گسترده است و تا ذهن کار می‌کند می‌توان به آن معنی بخشید. اما تعریف من از هنر بسیار ساده است؛ هنر وسیله‌ای برای بیان احساسات آدمی است. خواه این احساس از عمق وجود فرد بیرون آمده باشد خواه حاصل یک هیجان زودگذر باشد. اگر شما احساساتتان را به وسیله تصویر کردن چیزی بیان کنید به آن تصویرگری گویند، اگر با آواها و صداها یا به وسیله یک ساز بیان کنید به آن موسیقی گویند و اگر با کلام بیان کنید سری به ادبیات زده‌اید خواه شعر بسرایید یا قصه‌ای را بیان کنید. همان طور که قبلاً هم اشاره کردم هنر در ذات خود قدرت فراوانی دارد زیرا هم می‌تواند حاصل عمیق‌ترین و هم حاصل پیچیده‌ترین احساسات آدمی باشد. می‌تواند فوران کند یا همچون نسیم آرام بوزد. حال اگر ما بتوانیم در فرآیند درمان روان شناختی فضایی را به‌وجود بیاوریم که درمان جو بتواند از هنر برای تخلیه هیجانی یا بیان احساسات خود استفاده کند، بدرستی از کارکرد هنر در درمان استفاده کرده‌ایم. می‌توان گفت هنر زمانی کاربرد در درمان پیدا می‌کند که توسط درمانگری ورزیده برای تسهیل فرآیند درمان استفاده گردد، اما دقت داشته باشید در روی دیگر سکه تحلیلگرانی هستند که می‌توانند هر اثری را تحلیل روان شناختی کنند و پی به حال و هوای روان هنرمند ببرند، این دو فرآیند با هم متفاوتند. درمانگران بالینی از هنرهای مختلف استفاده می‌کنند اما پرکاربردترین آنها عبارتند از: نقاشی، موسیقی نمایش، شعر و قصه. تحقیقات زیادی پیرامون اثرات مختلف تصاویر رنگ‌ها و صداها، کلمات و اوزان شعری بر ساز و کار روان شده است گاهی ممکن است درمانگر برای ایجاد احساسی در درمان‌جو کلام یا موسیقی یا تصویری را انتخاب کند تا به هدفی خاص دست یابد. به‌عنوان مثال به شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی دقت کنید وقتی شروع به مطالعه ابیات می‌کنید اگر کمی با ادبیات شاهنامه آشنا باشید و با وزن و ریتم درست بخوانید به‌وجد می‌آیید. این همان اثری است که وزن شعر بر ساز و کار سیستم روان شناختی شما می‌گذارد.

آیا عوضی‌ها در نهایت به سزای اعمال‌شان می‌رسند

چی بخوانیم

فانزه مشایخی
خبرنگار

«مدیران عوضی» کتابی است نوشته ریچارد ای.موران که با ترجمه کیوان شعبانی مقدم سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب به پشتوانه نمونه‌ها و مثال‌های خنده دار، ناراحت‌کننده و واقعی به حماقت‌ها و نقطه ضعف‌های مدیران اشاره می‌کند. او درس‌هایی که از رهبران و بازندگان آموخته شده را تک به تک برمی شمارد و نکته‌ها و راهکارهای جذاب و به یادماندنی در اختیار خواننده می‌گذارد. اگرچه نویسنده در این کتاب از خطاهای مدیران می‌گوید، ولی می‌گوید که مدیران «آنها» نیستند. مدیران خود ما هستیم. همه ما مدیر هستیم. هریک از ما، همه ما، تاحدی مدیر چیزی هستیم. ما ممکن است مدیرعامل جنرال الکتریک نباشیم، ولی ممکن است مدیر یک دپارتمان یا یک مؤسسه محلی یا حتی خانواده خود باشیم. در پایین‌ترین سطح، هریک از ما مدیر زندگی خودمان هستیم. ما شغل و حرفه خودمان را برنامه‌ریزی و هدایت می‌کنیم، اقداماتمان را کنترل می‌کنیم و بابت نتایجی که می‌گیریم مسئول و پاسخگو هستیم.

برای عوضی بودن یک شخص، لازم نیست حتماً او یک مدیر باشد؛ هرکس در هر سطح و رتبه‌ای می‌تواند عوضی باشد. میل به عوضی بودن در درون همه ما وجود دارد. قبول کنیم که وجود دارد، اما تفاوتی که میان یک عوضی حقیقی و کسی که فقط در برخی موارد تبدیل به یک عوضی می‌شود هست این است که دومی «احساس پشیمانی» می‌کند. گاهی اوقات عوضی بودن آسان‌تر از عوضی نبودن است؛ هرچند تبدیل شدن به یک عوضی برای افراد ضعیف آسان‌تر است. اگر تو فکر می‌کنی که یک عوضی هستی احتمالاً همین‌طور است. اگر مدعی هستی که هیچ عوضی‌ای را نمی‌شناسی، احتمالاً خودت یک عوضی هستی.

عقاید و نظرات بحث‌برانگیزی وجود دارد که آیا عوضی‌ها درنهایت به سزای اعمالشان می‌رسند یا نه؛ نمی‌توان با اطمینان گفت که آنها روزی تاوان عوضی بودنشان را طوری پس بدهند که مثلاً با آنان هم به همان بدی ای که با دیگران رفتار کرده‌اند رفتار شود؛ یا اینکه آنها را فقط به جرم عوضی بودن در آتش جهنم بسوزانند. دیگران در مورد عوضی‌ها همیشه چیزهایی نظیر «سرنوشت بدی در انتظارشان است» یا «او نمی‌تواند شاد باشد» می‌گویند. موران عقیده دارد که هردوی اینها برای عوضی‌ها اتفاق می‌افتند. عوضی به زندان می‌افتد، همسرش او را ترک می‌کند، فرزندانش از او متنفر می‌شوند، هیأت مدیره او را اخراج می‌کند؛ بعلاوه در قعر جهنم می‌سوزد. بی‌تردید یک عوضی هیچ اعتنایی به این حرف‌ها نمی‌کند، زیرا احتمال نمی‌دهد که یک عوضی باشد. آیا اینکه خودش بداند یک عوضی است چیزی را تغییر می‌دهد؟ احتمالاً نه.

عکس نوشت

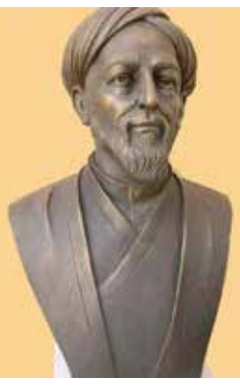

مجسمه سعدی، شاعر بلندآوازه ایران، در خیابان سعدی جنوبی تهران نصب شد. این کار از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران و به‌دنبال مصوبات شورای اسلامی شهر تهران درباره خلق و نصب آثار فیگوراتیو مفاخر و مشاهیری که نام آنها بر خیابان‌های شهر قرار داده شده انجام شد. این سردیس که اثری از هنرمند مجسمه‌ساز ملک دادیار گروسیان و از جنس فایبرگلاس است در دوراهی خیابان سعدی جنوبی و اکباتان قرارداده شده است.

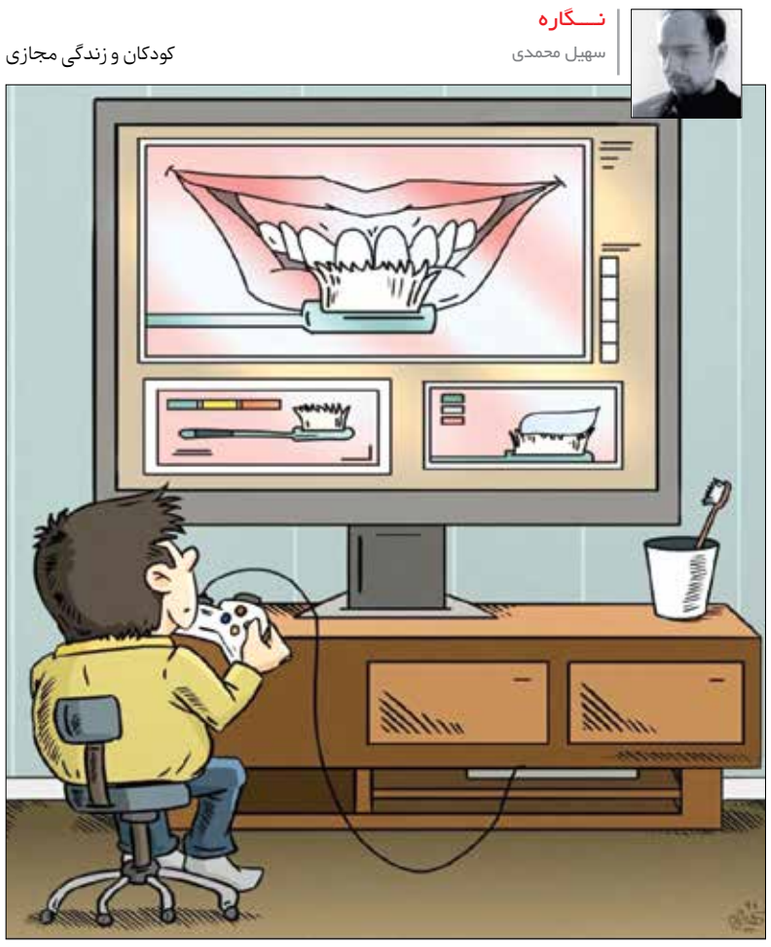

نـــگاره
سهیل محمدی

کودکان و زندگی مجازی

#تاجگردون

هشتگ

پس از کش و قوس‌های فراوان اعتبار نامه غلامرضا تاجگردون نماینده گچساران در مجلس یازدهم رد شد. ۱۲۸ رأی منفی، ۱۰۲ رأی موافق و ۲۱ رأی ممتنع به این اعتبارنامه داده شد و بلافاصله پس از اعلام رأی، تاجگردون در اینستاگرامش نوشت: «تمام آنچه که حجت بود ادا شد. مردم خونسردی خودشان را حفظ کنند.»

خیلی‌ها در شبکه‌های اجتماعی از رد این اعتبارنامه خوشحال بودند و درباره این می‌نوشتند که فشار فضای مجازی باعث این کار شده است. نمایندگان مخالف هم از دیروز در توئیتر و اینستاگرام‌شان می‌نوشتند که رأی‌شان منفی خواهد بود اما کاربران زیادی خواستار مشخص شدن نام کسانی هستند که به اعتبارنامه تاجگردون رأی مثبت یا ممتنع دادند: «من این وسط عاشق اون ۲۱ نفر نماینده‌ای شدم که به اعتبارنامه تاجگردون رأی ممتنع دادن. خب دقیقاً منظورتون چیه؟»، «لزوم طرح شفافیت آرای نمایندگان در بررسی اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون کاملاً مشهود شد! ۱۲۸ رأی، موافق به رد اعتبارنامه بودن که بسیاری از نمایندگان رسماً اعلام کردن. باید مشخص شود ۱۰۲ رأی مخالف و ۲۱ رأی ممتنع مربوط به کدامیک از نمایندگان مجلس انقلابی است!»، «نماینده‌ای که اعتبارش رد می‌شود باید از همان بهارستان یکسر برود به عدلیه. یا حق او و موکلان‌اش ضایع شده که باید شاکی باشد از دیگر وکلا یا حق مردمی را بلعیده که باید متشاکی شود به درخواست مدعی‌العموم. کمترین مجازاتِ خاطی، تقبل همه هزینه‌های انتخابات مجدد است.»، «در جریان رد اعتبارنامه تاجگردون، ۱۰۲ نماینده از مجلس اصولگرا هنوز دلشان با تاجگردون بود و ۲۱ نفر هم نظر خاصی نداشته‌اند. اگر مجلس شفاف بود، امروز بهترین آزمون برای شناخت خودی‌ها و ناخودی‌ها و بی‌خودی‌های مجلس بود.»، «در بررسی اعتبارنامه تاجگردون ۱۰۲ نماینده رأی موافق داده‌اند، آیا می دانید چه کسانی؟ متأسفانه به علت نبود شفافیت پاسخ این سؤال مشخص نیست. راه‌حل فقط شفافیت بدون راه فرار است نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر»، «تاجگردون خیلی خونسرد خداحافظی کرد! تازه نگران خونسردی مردم هم بود! چقد خیالش جَمعه این بابا! چقد ریلکسه!»، «خب اعتبارنامه تاجگردون رد شد، اینکه این کار درست بوده یا نه رو کار ندارم ولی تکلیف هزینه‌های انتخابات اسفند ماه و انتخابات میاندوره بر عهده کیست؟ چه کسی باید پاسخگوی این هزینه‌ها باشد؟ این بیت المال است که اینگونه بر باد می‌رود»، «۱۰۲ نفری که به تاجگردون رأی مثبت دادن چه کسانی هستند؟»، «در جریان رد اعتبارنامه تاجگردون، یک نکته مهمی که واقعاً به چشم آمد نقش رسانه‌ها و فضای مجازی از نوع مثبتش بود.»

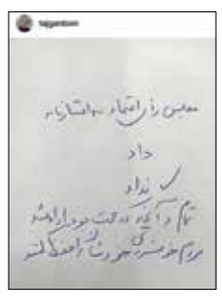

شهروند مجازی
یگانه خدامی

آمار کرونا

ماجرا

بالا رفتن آمار مبتلایان و قربانیان کرونا خیلی‌ها را نگران‌کرده است. بخصوص بعد از آمار ۲۰۰ نفر قربانی روز سه‌شنبه. زدن ماسک، برگزاری مراسم عروسی و عزا و لزوم ایجاد محدودیت‌ها مهم‌ترین بحث‌هایی است که این روزها درباره کرونا در شبکه‌های اجتماعی جریان دارد: «سه روز پیش جوونی تو همسایگیمون فوت کرد و دلیل مرگش کرونا بود! امروز براش مراسمی گرفتن که بنظرم زبون زد خاص و عام شد؛ بالای هزار نفر تو مراسمش شرکت کردن و من فقط از دوریه عده جاهل دیدم که به کرونا و مرگ سلام میگفتن..!»، «دیشب دومین پرستار بیمارستانمون بر اثر کرونا فوت شد، جوان بود، ریه‌هایش قبلاً در آتش‌سوزی آسیب دیده بود. از ابتلای اولیه جان به در برد اما بعد از ترخیص به علت آمبولی ریه، ناگهانی فوت شد.»، «به‌عنوان کسی که کرونا را تا حد مرگ تجربه کرده توصیه می‌کنم حتی تو دمای ۶۰ درجه و شرایط سخت ماسک بزنید واقعاً کرونا ویروس عجیب و بی‌رحمیه...»، «آمار کرونا همین‌طور پیش برود، طی روزهای آینده، شاید، حتی آنها که اینجا و آنجا می‌نویسند مدافعین سلامت سپاس؛ به‌دلیل کمبود امکانات و پر شدن ظرفیت بیمارستان‌ها، تمام خشم خود ناشی از کمبودها را سر پزشک وپرستار مظلوم خالی کنند. سیکل معیوب، تلفات را ضربدر چند می‌کند؟»، «امروز که داشتین آمار تلفات ۲۴ ساعت پیش کرونا رو می‌خوندین بدونین یکی از عزیزای ما، یک‌جوون رعنای ۳۴ ساله هم جزو این آمار هست»، «توی این چند سال این همه گفتن آقا لازمه خدمات بانکی غیرحضوری ارائه بشه اما کسی توجه نکرد. گفتن بانک سوپرمارکت نیست که میای هزاران شعبه فیزیکی در گوشه گوشه شهر افتتاح می‌کنی. تاوان این اشتباه رو اون کارمندی داد که الان توی گوره»، «درباره آمار واقعی کرونا همین برام کفایت می‌کنه که از کلاس ۳۰ نفره خودمون، ۶ نفر معلوم شده که گرفتن.»، «کرونا مجدداً اوج گرفته، آمار مبتلایان و فوتی‌ها از این مهم حکایت دارند. ولی نکته جالب اینجاست مسئولان تصمیم گیر و تصمیم ساز کجایند؟ ستاد کرونا چه می کند؟ مگر نه اینکه در این مواقع باید اعمال محدودیت کنند؟ در مبارزه‌ای که برنده بودیم متأسفانه داریم شکست می‌خوریم.»، «نمی‌فهمم! میگن تهران در وضعیت هشداره! وضعیت هشداری که از نظر محدودیت‌ها هیچ تفاوتی با قبلش نداره، چه معنی داره؟! فقط بر اساس آمار کرونا که بالا رفته میگید هشدار؟ خب اگه هیچ محدودیت یا سیاست جدیدی پیاده نشه که هشدار تبدیل میشه به قرمز! مگه اینکه مخاطب هشدار رو فقط مردم می‌دونین»، «آمار کرونا آنقدر زیاد شده که باید دیگه آمار مبتلا نشده‌ها رو اعلام کنن»، «امروز حق الناسی بر گردن ماست و اون زدنه ماسک هست، هر روز آمار پرسنل مبتلا به کرونا بیشتر و بیشتر میشه... قرار بود کرونا رو شکست بدیم یا کادر درمان رو؟!»، «توی آمار مرگ امروز، عزیزِ ما هم بود.»

■ **۱۹تیر**

تاریخ

امروز نود و چهارمین سالروز انتشار روزنامه اطلاعات است. روزنامه‌ای که اولین بار در ساختمانی در خیابان فردوسی تهران کارش را آغاز کرد و ابتدا فقط دو صفحه بود اما بعدها به یکی از بزرگ‌ترین مؤسسه‌های فرهنگی خاورمیانه تبدیل شد.

■ **تولدها**

ناصر تقوایی: کارگردانی که این روزها جای خالی اش در سینمای ایران بسیار احساس می‌شود امروز ۷۹ ساله می‌شود. ناصر تقوایی از نوجوانی به سینما و ادبیات علاقه داشت و حضورش در پشت صحنه «خشت و آیینه» ابراهیم گلستان به‌عنوان یکی از عوامل فنی باعث شد فیلمسازی را یاد بگیرد. ابتدا مستندسازی می‌کرد و مستندهایی چون «مشهد قالی»، «فروغ فرخزاد»، «اربعین» و در سال ۱۳۵۰ فیلم کوتاهی به نام «رهایی» ساخت که بسیار تحسین شد و شیر طلایی ونیز و جایزه جشنواره سانفرانسیسکو را به دست آورد. بعدها به تلویزیون پیوست و سال ۱۳۵۵ با ساخت سریال «دایی جان ناپلئون» به شهرت رسید و بعد وارد سینما شد. «آرامش در حضور دیگران»، «صادق کُرده» و «نفرین» را پیش از پیروزی انقلاب و «ناخدا خورشید»، «ای ایران» و «کاغذ بی‌خط» را پس از پیروزی انقلاب ساخت. او از سال ۸۰ تاکنون فیلمی نساخته و این مسأله همیشه گلایه سینماگران را به‌دنبال داشته است؛ چون سال ۸۲ فیلم «چای تلخ» او به‌دلیل مشکلات مالی و حمایت نکردن مراکز دولتی نیمه کاره ماند.

تام هنکس: بازیگر محبوب سینمای جهان سال ۱۹۵۶ در چنین روزی به دنیا آمد. رشته تئاتر را در دانشگاه خواند و در همان دوران با یکی از مسئولان یکی از تئاترها آشنا شد و به‌عنوان کارآموز کارش را آغاز کرد اما همان دوران تحصیل را نیمه کاره رها کرد. ابتدا در فیلم «او می‌داند تنها هستی» بازی کرد و سال ۱۹۷۹ نقشی کلیدی در فیلم «ماندرک» به کارگردانی دنیل سترن به او داده شد. بازی در فیلم «هیچ چیز مشترک» او را چهره کرد و با فیلم «فیلادلفیا» اسکار بهترین بازیگر مرد را به دست آورد. یک سال بعد نقطه عطف کارنامه کاری او؛ بازی در فیلم «فارست گامپ» که برایش دومین اسکار را همراه داشت. پس از آن تام هنکس در فیلم‌هایی بازی کرد که گاهی خوب بودند و گاهی بد اما نقش آفرینی‌هایش در فیلم‌های «مسیر سبز»، «نجات سرباز رایان» و «اگر می‌تونی منو بگیر» در ذهن مخاطبانش مانده است. او صدا پیشه کارتون‌هایی مانند «داستان اسباب بازی‌ها ۲» هم بوده است.

عباس بنی عامریان نویسنده و کارگردان تئاتر، **فاطمه گودرزی** بازیگر و **ابوالقاسم جنتی عطایی** نویسنده و مترجم هم در چنین روزی متولد شده‌اند.

■ **درگذشت‌ها**

مهدیه الهی قمشه‌ای: مولوی شناس و پژوهشگر ادبیات عرفانی سال ۱۳۹۵ در چنین روزی درگذشت. مهدیه الهی قمشه‌ای متولد سال ۱۳۱۶ بود و تحقیق درباره مثنوی مولوی و تحلیل و تفسیر ادبیات عرفانی یکی از مهم‌ترین کارهای او بود که «سیری در گلزار مثنوی» یکی از کتاب‌های حاصل این تحقیقات است. مهدیه الهی قمشه‌ای حافظ ۶ هزار بیت از مثنوی بود و خود هم طبع شعر داشت و با تخلص «آتش» مجموعه شعرهای «معبد عشق» و «بهار عشق» را منتشر کرد.

مهین عظیما: سال گذشته در چنین روزی یکی از آخرین بازماندگان نسل طلایی نقاشی ایران درگذشت. مهین عظیما در سال ۱۳۰۸ به دنیا آمد و دوازدهمین دختری بود که در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته نقاشی پذیرفته شد و پس از سفر با همسرش به خوزستان با سبک نقاشی پشت شیشه (ویترای) آشنا شد و تصمیم گرفت این شیوه قدیمی نگارگری ایرانی را احیا کند. او نمایشگاه‌های بسیار زیادی با آثارش در ایران و کشورهایی چون بلژیک، فرانسه و ترکیه و دانشگاه هاروارد امریکا برپا کرد و سال ۸۲ نشان درجه یک هنری و دکترا را از شورای ارزشیابی هنرهای سنتی گرفت.

غلامرضا دادبه استاد موسیقی و آواز، **چارلزلین** بازیگر امریکایی و **کن تورن** آهنگساز بریتانیا هم در چنین روزی درگذشتند.

■ **۲۰تیر**

در صد و سیزدهمین روز از سال ۹۹ باید از هنرمندان زیادی یاد کنیم که امروز به دنیا آمده‌اند، البته چهره‌های فرهنگی و ادبی شاخصی هم در چنین روزی درگذشته‌اند که مروری می‌کنیم بر نام و آثار همه آنها.

■ **تولدها**

مهدی فخیم زاده: کارگردان و تهیه‌کننده سینما و تلویزیون امروز ۷۸ ساله می‌شود. فخیم‌زاده کارش را با تئاتر آغاز کرد و مدتی بعد وارد سینما شد. سال ۱۳۵۴ با فیلم «مجازات» کارگردانی را آغاز کرد و پس از پیروزی انقلاب بازیگری و کارگردانی را با فیلم‌های «میراث من جنون»، «زخمه»، «جدال»، «تشریفات»، «مسافران مهتاب» ادامه داد که «مسافران مهتاب» یکی از مهم‌ترین نقش‌های او بود. سریال‌های مهدی فخیم‌زاده بسیار شهرت دارند و حتماً «خواب و بیدار»، «هم نفس»، «بی صدا فریاد کن» و «تنهاترین سردار» و «ولایت عشق» را به یاد دارید. فخیم‌زاده ورزشکار قابلی هم هست و دان ۶ کاراته دارد.

مارسل پروست: نویسنده مشهور «در جست و جوی زمان از دست رفته» متولد همین روز است، البته در سال ۱۸۷۱. او دیپلم ادبی گرفت و سال ۱۸۹۲ به‌صورت جدی کارش را در حوزه ادبیات با همکاری با نشریه «لو بانکه» آغاز کرد. سال ۱۹۱۲ بخش‌هایی از «در جست‌و جوی زمان از دست رفته» را در روزنامه فیگارو منتشر کرد اما ناشران به سختی قبول می‌کردند این اثر را چاپ کنند تا اینکه سال ۱۹۱۳ انتشارات برنار گراسه آن را با هزینه پروست منتشر کرد. پس از مرگش در سال ۱۹۲۲ کتاب‌های «اسیر»، «گریخته»، «زمان بازیافته»، «ژان سنتوی» و «ضد سنت بوو» منتشر شدند.

اسحاق خانزادی صدابردار، **علی اکبر کردبچه** رهبر ارکستر، **مجید ناظم‌پور** نوازنده بربط، **احسان کرمی** مجری و بازیگر، **کامیل پیسارو** نقاش فرانسوی و **سام وود** کارگردان امریکایی هم در چنین روزی متولد شده‌اند.

■ **درگذشت‌ها**

حبیب سماعی: استاد برجسته سنتور سال ۱۳۲۵ در چنین روزی درگذشت. او متولد سال ۱۲۸۴ بود و در خردسالی به خواست پدر تنبک را یاد گرفت اما از ۱۲ سالگی نواختن سنتور را هم آغاز کرد در شرایطی که استادش یکی از آخرین استادان این ساز بود. او آنقدر در این ساز استاد شد که پس از درگذشت او ساز سنتور یک دوران رکود را تجربه کرد اما استاد صبا از شیوه او استفاده کرد و به کسانی چون فرامرز پایور این ساز را آموخت و سنتور دوباره جایگاه خود را در موسیقی سنتی ایران باز کرد.

عمر شریف: بازیگر سرشناس مصری که در جهان شهرت داشت سال ۲۰۱۵ درگذشت. او متولد ۱۹۳۲ بود و بازیگری را در آکادمی هنرهای دراماتیک لندن آموخت. بازی در «لورنس عربستان» برایش نامزدی در اسکار را همراه داشت و برای «دکتر ژیواگو» توانست گلدن گلوب بگیرد. «اسب کهر را بنگر»، «سقوط امپراطوری روم»، «سیزدهمین سلحشور» از دیگر آثار او هستند.

عبدالرحمن فرامرزی روزنامه نگار و مؤسس و سردبیر روزنامه کیهان هم سال ۱۳۵۱ در چنین روزی درگذشت.